

بررسی آسیب شناسی طلاق عاطفی در خانواده

نجیبه اسحاقی^۱

بی بی سیمه حیدری^۲

حلیمه جان آبادی^۳

فهیمه سادات حسینی جم^۴

مریم تقوی^۵

صغری شهرکی^۶

چکیده:

طلاق عاطفی نوعی از رنگ باختگی عاطفه در رفتار و برخورد در زندگی زناشویی است که ظاهری از زیر یک سقف زندگی کردن را دارد. این زندگی به ظاهر سالم و در درون آشفته و با قلبی سراسر آکنده از نفاق اولین بار در جزئی ترین روابط محبت آمیز که میان افراد زندگی باید باشد خود را نشان می دهد. وبا بی اعتنایی نسبت به همدیگر و بعد به مراتب با میدان دادن به آن توسعه پیدا می کند و به شکل جدایی ظاهر می شود و آسیب مهلکی بر پیکر کانون خانواده وارد می کند و عوامل بوجود آورنده آن ابتدا ترک صمیمیت و جدایی عاطفی و عدم احترام همدیگر و ندیدن یکدیگر و تحمل نداشتن می باشد.

امروزه با وجود پیشرفت های چشمگیری در زندگی و تأسی جستن از زندگی های غرب و آنها را الگو قرار دادن زمینه برای این نوع مشکلات و از هم پاشیدگی خانواده ها و خود را بی تفاوت نسبت به همدیگر دیدن، آماده شده است و زندگی را پوچ و تهی ساخته است، و زندگی اجباری را به جوانان ما تحمیل کرده است. برای بهبود بخشیدن به این روابط عاطفی نیاز به علت یابی و پیدا کردن سرچشمه این نوع رفتارها که مقدمه می شود تا زندگی و روابط آن رو به سردی گراید هست و این زمینه ها باید برچیده شود و تمام هم و غم یک زندگی مشترک باید پروراندن بذر عاطفه و روح و روان در کانون گرم خانواده باشد. چنانچه امر مهم و خطیر خانواده به خطر افتد جامعه دچار اختلال رفتاری و روحی نامتعادل خواهیم داشت که هر دوی آن ضربه ای مهلک بر جامعه دینداری خواهد بود. پس با توجه کردن به آیات و روایات الهی که در کراهت امر طلاق آمده و همچنین توجه به آثار شوم آن بر خانواده و برچیده شدن راههایی که جلوی ازدواج افراد را می گیرد، می توان این کره کور را باز کرد. ضمناً روش این تحقیق کتابخانه ای می باشد.

کلید واژه ها: آسیب شناسی، طلاق، طلاق عاطفی، حضانت، منفوریت طلاق

^۱ - طلبه سطح دو، (کارشناسی)، مدرسه علمیه نرجس(سلام علیه)، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، تلفن: ۰۹۱۵۸۴۲۸۸۹۰
^۲ طلبه سطح دو، (کارشناسی)، مدرسه علمیه نرجس(سلام علیه)، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، تلفن: ۰۹۱۵۲۹۲۶۵۴۱
^۳ طلبه سطح دو، (کارشناسی)، مدرسه علمیه نرجس(سلام علیه)، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، تلفن: ۰۹۱۵۹۴۳۳۸۷۳
^۴ طلبه سطح دو، (کارشناسی)، مدرسه علمیه نرجس(سلام علیه)، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، تلفن: ۰۹۱۵۸۵۹۴۰۷۶
^۵ طلبه سطح دو، (کارشناسی)، مدرسه علمیه نرجس(سلام علیه)، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، تلفن: ۰۹۱۵۶۴۰۵۷۹۷
^۶ - استاد راهنما، سطح سه، (کارشناسی ارشد)، تلفن: ۰۹۱۵۶۰۷۹۶۸۳

مقدمه:

به اعتقاد ما بسیاری از مشکلات خانوادگی و رنگ باختن عاطفه ها به یک علت مشترک و عمومی برمی گردد و آن نادانی و جهالت و کنار گذاشتن درایت و بینش در امر ازدواج است.

بشریت امروز با بهره گیری از علم و دانش و صنعت و فن آوری، توانسته است آسایش و آرامش و رفاه را برای خود تامین نماید، ولی همیشه از یک دشمن مشترک انسانی ضربه خورده است و عاطفه و روح خانواده را جریحه دار کرده است. همان دشمنی که در سایه ی این آسایش و آرامش انسانها، مشغول تخریب روح انسانی و هدف والای انسانهاست. این دشمن همان دشمنی است که پیامبران الهی از آن به خدا پناه برده اند و می فرمایند: (وما أُبرئِیْ اِنَّ النِّفْسَ لَمَآرَّةٌ بِالسَّوْءِ الْاِمَارَحَمَ رَبِّیْ) که نفس اماره انسان، باعث کشاندن او به بیراهه می شود و عاطفه و نهاد عاطفی را از او می گیرد.

خانواده در اسلام، دارای جایگاه بلند و رفیعی است. این نهاد کوچک و مقدس، پایگاه اروج و کمال انسانها و محیط تربیت و پرورش نهال فطرت و استعدادهای نسل آینده است. خانواده مهم ترین رکن ترقی و تکامل یک جامعه است و اگر خانواده ای نتواند در این مسیر گام بردارد و از تربیت اسلامی و دینی دور باشد بعید نیست که زمینه های فساد و سرکشی و معصیت را در جامعه ایجاد نماید.

اسلام هدف از ازدواج زن و مرد را کمال و ترقی، روحی و روانی، حفظ دین و تقرب و نزدیکی به خدا می داند. گرچه در سایه ازدواج و تشکیل خانواده، زن و مرد در کنار یکدیگر آرامش می یابند، به یکدیگر محبت می ورزند و با هم انس پیدا می کنند. و از کام جویی های مشروع برخوردار می شوند و... اما اینها، هرگز هدف اصلی ازدواج نیست بلکه ازدواج در اسلام، همچون نردبان ترقی برای نزدیکی به پروردگار است، زمینه ای مناسب برای پیراستن نفس از پلیدی ها و زشتی ها و آراستن دل به پاکی ها و نیکی ها جایگاهی برای تهذیب اخلاق و عمل صالح و پرورشگاه، صفات حسنه و اخلاق نیکو است. ازدواج با انسان مومن، موجب حراست از مرزهای خانواده و نیز مرزهای اعتقادی افراد است. زیرا وجود تأثیرات فراوان روانی، اعتقادی و روانی بر همسر غیر قابل انکار است نوعی از ازدواج هایی که رد جامعه ما صورت می گیرد هیچ یک بر اساس معیارهای اصیل و استوار پیوند ازدواج نیستند بلکه براساس ذوق و شوق و التهاب جوانی صورت می گیرد و برای همین پس از مدت کوتاهی نفرت و بیزاری جای صفا و صمیمیت را می گیرد و زندگی تلخ می شود.

یکی از آفات زندگی اجتماعی و نظام خانواده مشکل طلاق است. طلاق بریدن پیوند مقدسی است که همراه باهزاران امید و آرزو شکل گرفته است طلاق نشان عدم دقت در انتخاب و یا سقوط اخلاقی یکی از طرفین اصلی زندگی خانوادگی و گاه مولود مرگ ارزش ها در کانون همسری است. البته گاه طلاق به خاطر حوادث غم انگیز اجتماعی است هر زن و مردی با کمال احترام و با رضایت کامل از یکدیگر جدا می شوند و حوادث طبیعی و یافشارهای اجتماعی خوردن این را روی تلخ را بر آنان تحمیل می کند. بررسی مساله طلاق از دیدگاه های گوناگون می تواند در کاهش این بلای اجتماعی موثر باشد و از این رو مسأله بریدن پیوند ازدواج همواره مورد توجه اندیشمندان و حقوقدانان و مربیان جامعه بوده و دلسوزان و مصلحان را به تلاش های فرهنگی و اجتماعی برای جلوگیری از گسترش و افزایش این آفت همدلی ها و داشته است. و از این رو ما را بر این داشته است تا تحقیق

خود به شناسایی علت‌های امروزی طلاق و عامل‌های پدیدآورنده آن و تطبیق آن طبق آیات و روایات و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از افتادن در چنین بلا و معطلی در جامعه پردازیم. امید است که بتوانیم گامی مثبت در جهت بهبود نهاد خانواده برداریم.

طلاق عاطفی:

در ادبیات، لغت طلاق به معنای بیزاری یعنی حس منفک شدن کامل یا حسی که به قطع یک ارتباط و پیوند اشاره دارد اما در مورد طلاق عاطفی باید گفت: زمانی آغاز می‌شود که یک رابطه گرم منفک شود و طرح زندگی زوج به جای (ما)، (من) شود، طلاق خاموش همان جدایی زن و مرد است با این تفاوت که آنان در یک خانه زندگی می‌کنند و از یک غذا می‌خورند ولی هیچ گونه تعهدی نسبت به یکدیگر ندارند.

استارت طلاق عاطفی از سال اول ازدواج زده می‌شود و ازدواج‌هایی با انگیزه‌های غیر سالم مانند ازدواج برای مادیات، گریز از تنهایی، ازدواج برای چشم و هم‌چشمی و جا نماندن از هم‌دوره‌ای‌های خودش اینها همه شامل طلاق خاموش می‌شوند که سرانجامی جز سردی روابط و بی‌تفاوتی نخواهند داشت.

در مورد طلاق عاطفی می‌توان گفت:

(الف) مردها اغلب پس از طلاق ناراحتی، عصبانیت، گله، افسردگی را تجربه می‌کنند و در نهایت به پذیرش درونی از طلاق دست می‌یابند آنها کاملاً طلاق عاطفی را تجربه نمی‌کنند. مگر اینکه به مرحله آخر برسند.

(ب) تلاش مردها در مرحله طلاق عاطفی ممکن است به شکل‌های مختلف مثل عصبانیت، تهاجم و افسردگی شدید نمود پیدا کند

(ج) شکل دادن به یک رابطه جدید متداول‌ترین راه برای غلبه بر مشکلات طلاق عاطفی است و برای بسیاری از مردها این اتفاق قبل از آنکه روند طلاق قانونی شود اتفاق می‌افتد.

(د) اکثر مردهایی که طلاق عاطفی را در طول سالها تجربه کرده‌اند داشتن یک رابطه دیگر تنها برایشان نقش تسهیل‌بخشی را دارد و آن‌ها را در ترک همسرشان یاری می‌کنند. (زرعی محمودآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵).

دریک تعریف ساده به نوعی طلاق و جدایی خاموش اطلاق می‌شود که به لحاظ قانونی و شرعی اتفاق نیفتاده و مرد و زن، بنابر ملاحظات و به ناچار در زیر یک سقف به ظاهر زندگی می‌کنند، ولیکن به دلیل شدت سردی روابط و عدم تبادل احساسات و عواطف، احساس نارضایتی همراه با ناامیدی دارند. در این حالت که شبیه نوعی زندگی در هتل می‌ماند، زن و شوهر بنا به دلایل بسیار زیادی قادر به گفتگوی صمیمانه با یکدیگر نیستند و نمی‌توانند به یکدیگر محبت کنند و عشق بورزند و در نتیجه به یک نقطه توقف، نه تصمیم‌گیری رسیده‌اند؛ حالت بسیار سخت و دشوار که دو طرف نه جرأت و جسارت جدا شدن را دارند و نه توان ساختن و درست کردن. ممکن است در ذهن برخی این سؤال پیش بیاید که چرا با چنین شرایط سخت و دشواری در عین حال زن و شوهر، تکلیف‌نهایی را روشن نمی‌کنند و این وضع تلخ و ناگوار را ادامه می‌دهند؟

مشکلی نیست که هر جوانی، در جست و جوی بهترین جفت برای زندگی است، دختر همین که خود را شناخت احساس می‌کند که وجودش بدون یک همسر لایق کافی نیست. پسر همین که خود را شناخت متوجه می‌شود که باید خود را با یک جفت شایسته، کامل می‌گرداند. پس آرزوی داشتن یک جفت شایسته، نه عیب است و

نه نا معقول. اما آنجا که جوان می خواهد برای این اصل کلی، مصداق بجوید و آنجا که کار به مرحله انتخاب و تصمیم گیری می رسد، اشکال پیدا می شود. حال اگر، جوان در مرحله انتخاب و تصمیم گیری کسی را دوست بدارد که دوستش نمی دارد و کمند محبت خود را می خواهد به گردن شکاری بیاندازد که هرگز در دام این محبت نمی افتد و اگر بیفتد گریز پا و وحشی است کاری غیر عاقلانه کرده و اسیر دامهای شیطانی شده است. شکستی که در مرحله انتخاب و تصمیم گیری، دامنگیر افراد می شود یا ناشی از این است که از اول بد انتخاب کرده و خواسته گریز پایی را رام کنند یا اینکه خودش پایبند به مقتضیات انتخاب و تصمیم گیری نبوده و کم یا بسیار خود محوری کرده و در نتیجه کارشان به شکست انجامیده است. انسان باید برای همسری خود کسی را هدف قرار دهد و به کسی عشق بورزد که او نیز برای پذیرش همسری و عشق وی آماده باشد و باز باید خود را هم آماده کند و قاطعانه تصمیم بگیرد که اگر طرف مقابل آماده پذیرش همسری و عشق وی است خود نیز به همه لوازم و آثار آن تن دهد، و باعث ویرانی عشق نشود. یکی از نعمتهای زیبا و نیکویی که خداوند متعال به بشر داده ، خانواده است و در سایه این نعمت بزرگ و والا است که بسیاری از نعمت های دیگر معنی و مفهوم پیدا می کند. طرحی که خداوند با حکمت و عنایت خود برای خانواده ریخته است، عالیتترین طرح ممکن است. اگر تشکیل خانواده نباشد زن و مرد در کانون خانواده با یکدیگر به یگانگی و وفاق نرسند، و اگر کودک زیر سایه مهر و صفای والدین نباشد زندگی لذت و صفا و ارزشی ندارند. خداوند پیامبران خود را همیشه بر توحید این برنامه حفظ خانواده و نقش تربیتی و ارشادی آن امر کرده است و آنها کوشیده اند زنها و شوهرها را به وظایفشان آشنا کنند. و هر چیزی که مایه سستی پیوند مقدس خانوادگی می شود را برحذر دارند برای زن محیط خانه همه چیز است. هم محیط کارست و هم محیط تعلیم و تربیت و هم محیط نماز و عبادت و خودسازی. (اقتباس از کتاب دیروز، من، امروز ، ما).

بحران طلاق:

طلاق یکی از بحران های بزرگسالی است. زن ها و مردها اغلب با سرعتی متفاوت رشد و تغییر می کنند. طرفین بر اثر این تغییر ، متوجه می شوند که دیگر همانی نیستند که هنگام ازدواج بوده اند . حقیقت این است که هر دو تغییر کرده اند و مسیر تکامل را در جهات مختلف پیموده اند . در چنین وضعیتی معمولاً یکی از طرفین، دیگری را به دلیل از بین رفتن عواطف بین شان سرزنش می کنند تا از بررسی نقش خود در مشکلات شانه خالی کند. گاهی تباهی زندگی زناشوئی (طلاق)، با مشخصات دوران میان سالی ارتباط دارد. مشخصه هایی مانند: نیاز به تغییر، فرسودگی و خستگی ناشی از عملکرد مسئولانه و ترس از رویارویی با خویشتن.دبی خورد، اعتقاد دارد آن چه که مادر طلاق از دست می دهیم فقط شریک زندگی مان نیست، بلکه نفس خود ماست . هر چه در مورد خودمان فکر و یا تصور می کرده ایم لگد مال می شود «ما» آن چیزی است که در جهان طلاق از دست می رود. به این دلیل است که طلاق تا این حد صدمه زننده است.نیل داندل والش، می گوید: «تعریف طلاق طبق آنچه که در فرهنگ لغات جهانی آورده شده ، عبارت است از: جدائی کامل و انفصال دو نفر». ولی من معتقدم مطلقاً چنین چیزی امکان ندارد. در جهان هستی، جدایی کامل و خاتمه دادن به رابطه زناشوئی غیر ممکن است؛ حتی اگر آن شخص را پس از طلاق هرگز نبینیم. باز هم با او رابطه خواهیم داشت.ماهیت آن رابطه بر روزها و اوقات زندگی ما بسیار اثر گذار است. پس ازدواج را نمی توان خاتمه داد بلکه فقط می توان پیوند ازدواج را قطع کرد ما می توانیم به طور رسمی و

از طریق نهاد های مربوطه به ازدواج مان خاتمه دهیم. ولی نمی توانیم به وحدت ایجاد شده میان دو جان، خاتمه بدهیم. این معنا که نمی شود آنچه را خداوند در نتیجه ازدواج به یکدیگر وصل کرده است. از هم گسست. به بیا دیگر دو بخش شدن ممکن است ، اما بخشی از دیگری نبودن، ممکن نیست. در دهه انفجار آسیب های اجتماعی با افزایش آمارهای طلاق مواجه هستیم . طلاق در افراد ، احساس باختن و بازنده بودن را در ارتباط زناشویی ایجاد می کند و طرفین برای رهایی از این احساس ، اقدام به جدایی می کنند و گاهی طلاق، تنها راه منطقی برای حل مشکل به نظر می رسد و آن چه دارای اهمیت است نگرش متفاوت افراد جامعه نسبت به این پدیده است و یکی از عوامل مهم طلاق در جامعه امروزه بحران شخصیت است، همان بحرانی که گاه سبب می شود ازدواج ها صورت گیرد.

تفاوت جدایی و طلاق عاطفی:

جدایی شاید به مفهوم طلاق آزمایشی باشد. شاید در مشاوره ها و زندگی های مشترک طولانی طرفین به این نتیجه برسند که مدتی دور از هم زندگی کنند تا مشخص شود میزان درگیری ها چقدر کاهش می یابد. گاهی زوج ها زندگی بدون کلام و تماس جنسی و یا قهر آمیز را با هم ادامه می دهند تا حتی الامکان به خاطر فرزندان، از جدایی و طلاق پرهیز کنند. گاهی توصیه می شود که زن و شوهر برای زمان محدود جدا از هم زندگی کنند شاید با فرو کش کردن فشارهای عصبی به آرامشی نسبی دست یابند و به شکل منطقی تری با زندگی رو به رو شوند. در این جدایی موقت زن و شوهر خلأهای حمایتی و روانی و مادی را نسبت به یکدیگر حس می کنند و این شاید باعث شود که قدر همدیگر را بیشتر بدانند و یا برعکس، به این نتیجه برسند که بسیاری از فشارها رهایی یافته اند و در خلوت خود احساس آرامش بیشتری کنند. ممکن است در تنهایی قادر باشند به زندگی آرام خود ادامه دهند . در این تنهایی و جدایی آزمایشی فرد قادر است تا عمیقاً درون خود را بنگرد و به بررسی جهان درونی خود پردازد و درک کند (کجای کار اشتباه بوده) و چگونه توانسته آنقدر خشم و انزجار را در همسر خود بیافریند، در صورتی که آرزوی قلبی شان ازدواجی سعادتمند بوده، چه چیزی باعث شده تا نشانه های نارضایتی را که اکنون کاملاً آشکار شده تاکنون نبینیم.(آذر، ۱۳۸۵: ۱۵).

مقدمات طلاق:

چنانچه علتی در زندگی از جانب مرد دیده شود که ادامه زندگی زن با او صلاح نباشد یا موجهی در زن باشد که برای مرد ادامه زندگی سخت و مشکل باشد، اگر رفع آن علت ممکن نباشد و مورد و زمینه برای طلاق مهیا باشد. طلاق امری شرعی و بی مانع است. در این مورد باید زن و شوهر، خانواده ی طرفین از تشدید مسئله پرهیزند، و از هر گونه سخن ناروائی نسبت به مرد یا زن ، یا خانواده هریک از آن دو نفر خود داری کنند. اختلاف مرد با همسرش اگر علت شرعی داشته باشد موجب این نگردد که دیگران یا خود آن دو نفر دچار گناهان زبان از قبیل غیبت و تهمت و تحقیر و سرزنش و استهزاء گردند، که اینگونه گناهان باعث ازدیاد شعله کینه زن و مرد و خانواده های آنان نسبت به یکدیگر و باعث عذاب انسان در روز قیامت است. متأسفانه با پیش آمدن

همسرش خطا کرده و متوجه خطای خود نیست و چه بسا آن را کاری صحیح می پندارد و شاید تکرار نماید او را متوجه خطایش سازد و در عین حال از خطایش درگذرد؛ به ویژه اگر پوزش خواست بی درنگ پوزشش را بپذیرد و هرگز در پی انتقام و به رخ کشیدن آن نباشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِنَّ مِنْ شَرِّ نِسَاءٍ كُمْ... لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عَذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ دَنبًا». (بانویی که عذر شوهرش را نپذیرد و خطایش را نبخشد از بدترین زنان شماسست). (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۱۰۰: ۲۳۵). این موضوع در مورد فرزندان نیز جاری است و حتی آنان به سبب کودکی و جوانی و نداشتن تجربه کافی بیشتر خطا و اشتباه می کنند که والدین باید همواره با توجه و بیان و تفهیم اشتباهات به آنان عفو و گذشت پیشه کنند.

۱۰. تغافل:

چشم پوشی و ندیده انگاشتن برخی لغزش ها و خطاهای کوچک نیز در حیطه مدیریتی بسیار پسندیده و کارساز است. خرده گیری و ذره بین نهادن بر کارها و گفته های همسر نتیجه ای جز تلف کردن عمر و تلخی زندگی در پی ندارد. امام علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ لَمْ يَتَغَاْفَلْ وَيَلَايُغُضْ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَصَّتْ عَيْشَتُهُ» (هرکس تغافل نوزد و از بسیاری امور [کوچک] چشم نپوشد، زندگی اش بسیار خست و تیره خواهد شد).

۱۱. مدارا:

مردان به سبب سختی کار و رویاوری با مشکلات کاری و اجتماعی شاید بیش از زنان خسته و ملول شوند و توقع دارند با ورود به منزل، از سوی همسر و خانواده مورد دلجویی و دستگیری قرار گیرند. از این رو همسران باید مواظب این موضوع باشند و با درک موقعیت همسر به کمک او بشتابند و با خوش رویی و خوش اخلاقی، آن حالت شکنندگی و خستگی را جبران کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِنَّمَا امْرَأَةٌ لَمْ تَرْفُقْ بِزَوْجِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةٌ وَتَلَقَّ اللَّهُ وَهُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانٌ». (هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و چیزی را که توان ندارد بر او تحمیل کند، هیچ کار نیکی از او پذیرفته نمی شود و خدا را در حالی که بر او خشمگین است ملاقات خواهد کرد). (الهامی نیا، ۱۳۸۸: ۶۸).

حقوق و تکالیف زن و مرد برای بهبود روابط:

زن و شوهر هر کدام در خانواده حقوق و وظایفی دارند و مسئولیتی مشخصی که از نظر قانونی برای آنها مقرر گردیده با این تفاوت که حقوق زن از نظر همسری و مادری در برابر تکلیف و وظایفی که دارد بسیار کمتر است ولی از طرف دیگر مرد به مراتب در مقام مرد سالاری حقوق و اختیارات گسترده تری دارد از جمله ریاست خانواده که به طور قانونی برعهده ی اوست و طبع زن است که در گرو اطاعت و فرمان او خواهد بود و در مراحل بعد پرداخت کلیه هزینه ی زندگی زن و فرزندان. اگر در مرحله ی اول قیود معمولی از قبیل مهر و صداق و سایر آداب و تشریفات ازدواج را در نظر بگیریم که طرفین بر سر آن چانه بزنند همانند معامله ای است بازاری که زن را در معرض بیع و شرعی قرار می دهد و مرد با پرداخت وجه نقد یا مبلغی بر ذمه یا نسیه که همان صداق باشد زن را به ملکیت خود در می آورد و از آن به بعد تابع و چشم بسته همان گونه که او را مالک و خدای کوچک خود می داند بلااراده مثل

یک ماشین مولد جوجه با آوردن بچه ی زیاد در می آید که محکوم به تامین رضایت و آسایش مرد می شود. اما شق دوم این است: که زناشویی از موضع خرید و فروش و مالکیت بیرون می آید و زن همسر خود را به دلخواه انتخاب می کند و ازدواج به صورت یک عشق واقعی و رفاقت می شود که زن و مرد در هر امری شریک و یاور و در رفاه و عسرت و سختی و سستی با هم دمساز و همگام خواهد بود. (ساوجی، بی تا: ۱۲۹).

نقش فرزند و خانواده برای پیشگیری از طلاق عاطفی:

محیط خانواده کودک سال های اصلی زندگی خود را در خانه و نزد پدر و مادر سپری می کنند نزد آنهاست که خوب و بد را می شناسد و ارزش ها و ضد ارزش ها را اختیار می کند از آنجاست که درس محبت و ورزی و سازگاری یا خشونت و بدخلقی می آموزد بهره مند از محبت و عواطف هیچ گاه بی شخصیت و عقده ای بار نمی آید و عرصه ی اجتماع را میدان تاخت و تاز کمبودهای روانی خود قرار نمی دهد طفلی که از خردسالی مفهوم دین و ارزش های اسلامی را در خانه از والدینش نیاموخته باشد در بزرگسالی امید آن که به راه خیر و صلاح قدم نهد بسیار کم است. بستگان و دوستان همه ی ما سهمی از رفتارها و بلکه عقاید خود را از بستگان یا دسوتانمان کسب کرده ایم و خردسالان بیش از مادر در این موضوع تاثیر پذیرند رفت و آمدهای ما با دیگران در حقیقت نوعی تعیین الگویی برای فرزندانمان است آنها نه تنها از طریق شنیدن بلکه بسیاری از این چیزها را از طریق چشم به درون خوی شمنتقل می کنند طرز سلام و احوالپرسی، نشست و برخاست، محرم و نامحرم، گفتار و کردار خویشان یک به یک برای آنها الگوست در این مهم ما خواسته یا نخواستہ انبوهی از صفات خوب یا بد بستگان و دوستان را به فرزندانمان منتقل می کنیم اگر آنها افرادی مؤدب، مهربان، خداترس و با شخصیت باشند به طور طبیعی خردسالان ما به سوی این صفات متمایل می شوند و همچنین بعکس. (مظاهری، ۱۳۷۶: ۴۶).

نقش زنان در آرامش خانواده برای درمان جدایی های عاطفی:

زن با سرمایه منحصر به فرد عاطفه و احساسات مادری، می تواند خانه را سرشار از محبت و عشق و عاطفه نماید و نشاط و آرامش و احساس امنیت روحی اعضای آن را فراهم کند. قرآن مجید این نقش ارزنده را چنین بیان می کند:

«او از نشانه های او این است که همسرانی ا جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این (آفرینش) نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». (روم، آیه ۲۱). حضرت علی (علیه السلام) درباره ی این ویژگی حضرت فاطمه (سلام علیها) می فرماید: «هرگاه به او نگاه می کردن غمها و غصه هایم را می زدود». (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۳۴).

امام خمینی درباره این نقش مادران می فرماید: (اگر مادرها این بنا را بگذارند که بچه هایشان را خوب تربیت کنند، محیط خانواده را جوری بکنند که بچه قهراً در محیط خانواده خوب بار بیاید، یعنی محیط خانواده یک محیط محبت باشد یک محیط اسلامی باشد. بچه وقتی که دید پدر و مادر کارهای اسلامی می کنند، اخلاقی خوب دارند، سازش آنها با هم خوب است اخلاقشان با هم خوب است، اینها خوب بار می آیند به خلاف اینکه اگر دیدند که جنگ

و نزاع است؛ یک خانه مبدل می شود به میدان جنگ، هر روز بین شوهر و زن جنگ می شود... بچه قهراً این طور بار می آید).

همچنین زنان در نبود مردان نقش صیانت از کیان خانواده را دارند پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) در روایت می فرمایند: «... و المرأة راعيتهُ على مال زوجها و مسئوله عنه» (نوری، ۱۴۰۵ ق: ۲۴۸). زن نگهبان ثروت شوهر و در برابر آن مسئول است. (برداشت از کتاب آئین زندگی).

مهربانی و همدلی در خانواده:

اگر کسی دنبال خوشبختی می گردد، باید به خوشبختی در خانواده فکر کند و خوشبختی در خانواده با محبت و عاطفه میان زن و شوهر ارتباط نزدیک دارد.

در اینجا به عنوان تبرک چند حدیث از ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل می کنیم تا با اندیشه در آن ها همدلی و مهربانی را در خانواده زیادتیر کنید و عنایت بیشتر پروردگار را کسب کنید.

- کسی که به همسرش نیکی کند، خدا بر عمرش می افزاید. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۱۰۳: ۲۲۵)

- همسر مناسب همسری است با حیا، و این که زندگی با او آسان است.

- انتقام گرفتن، رفتار آدم های پست است.

آن قدر جبرئیل به من راجع به زنان سفارش کرد که من گمان کردم حتی مرد حق ندارد به زنش اف بگوید. ای مردم! در مورد همسرانتان تقوا را مراعات کنید، زیرا آن ها خودشان را در اختیار شما گذاشته اند و شما آن ها را به عنوان امانت های خدا گرفته اید. (هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۵۵۱).

- از غیرت ورزی بیجا اجتناب کن، زیرا این بدگمانی زنان سالم و با عفت را به نادرستی و تردید می اندازد. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۳۱). (اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۰).

نتیجه:

و قتی با بررسی و شناخت علت شکست عاطفی می پردازیم، با دریافت مشکل اصلی (مشکلات اخلاقی، انتظارات و توقعات و ...) به راه حل مناسب هم می رسیم با اندکی ممارست و انگیزه تغییر، این زندگی یکنواخت می یابد و باید این حقیقت را پذیرفت که جدایی افراد از هم، می تواند دلیلی بر انحراف هر یک از آن ها باشد. چه بسا نیازهایی داشته باشند که باید مرتفع گردد، حال، سرکوب و انکار انتظارات تا زمانی خاص امکان پذیر است، در نهایت روزی چون آتشفشان فوران خواهد کرد. اینکه مادام به کلمه طلاق عاطفی بچسبیم راه به جایی نخواهد برد، همه انسان ها ممکن الخطا هستند اما توانایی جبران و سازندگی دارند که باید به جای دوری از همدیگر، به هم نزدیک شوند و بپذیرند که فرد موردنظر ما همان مرد رویایی و انتخاب دیروزشان بوده است.

پس شایسته است به انتخاب خود احترام گذاشته و به خاطر همین ارزشمندی نیز دوباره به پاخیزند و دمل ها و جراحت های چرکین زندگی شان را مرهم شوند. بی شک با ایجاد این تغییرات در خود طرف مقابل هم مجبور به تغییر می شود، و بدین گونه از آسیب های طلاق عاطفی جلوگیری کرده و نمی گذارد که زندگی که سال ها برای

آن تلاش شده به این آسانی از هم بپاشد چه بسا که اگر این رابطه به طلاق رسمی هم بکشد آثار منفی فراوانی بر خود طرفین و فرزندان آن ها گذاشته و آینده آن ها را به خطر می اندازد پس برای اجتناب از این مشکلات حتما خویشتنداری شود و برای مصالحه با طرف مقابل از هیچ تلاشی دریغ نشود.

منابع و مأخذ:

✽قرآن کریم

- ۱- آذر، ماهیار، علل پیامدهای بچه های طلاق، تهران، نشر قطره، چ اول، ۱۳۸۵.
- ۲- اصفهانی و همکاران، محمدمهدی، پیام نیکبختی، تهران، مهررادش، ۱۳۸۹.
- ۳- اکبری، محمود، رفتار والدین با دختران جوان، (بی جا)، چاپخانه گلها، ۱۳۸۴.
- ۴- الهامی نیا، علی اصغر، آیین زندگی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۸.
- ۵- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، (بی جا)، ۱۳۷۶.
- ۶- بهشتی، احمد، مسائل و مشکلات زناشویی، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳.
- ۷- داوودی نژاد، مسلم، رازهای تخسیر قلب همسر، قم، مهر دلدار، ۱۳۹۲.
- ۸- زارعی محمود آبادی و همکاران، حسن، پیشگیری از طلاق و جدایی، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۹- ساوجی، مریم، حقوق زن در اسلام و خانواده، چاپ دوم، (بی جا)، انتشارات مجد، (بی تا).
- ۱۰- شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، تهران، شرکت چاپ و نشر سازمان ترجمه لطیف راشدی، تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۱- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، مسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق
- ۱۲- صیفی یاری، مسعود، ۵۵ گام به سوی تفاهم زن و شوهر، قم، نشر لیل، ۱۳۸۶.
- ۱۳- گروه تحقیق و تالیف دارالصادقین، آشیانه ی همسر زندگی در پرتو تعالیم اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) و امام صادق (علیه السلام)، (بی جا)، ۱۳۸۵.
- ۱۴- گروه مولفین (دکتر نوشین اشراقی) دیروز من، امروز ما، مشهد، (بی جا)، سروش، ۱۳۸۸.
- ۱۵- گواهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، تهران، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۱۷- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۵.
- ۱۸- مظاهری، ابراهیم، با فرزندان در سایه قرآن، قم، انتشارات ظفر، ۱۳۷۶.
- ۱۹- مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، (بی جا)، انتشارات شفق، (بی تا).
- ۲۰- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول الله، ج ۱، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.

- ۲۱- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، نامه ۱۳۱.
- ۲۲- قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۲، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- ۲۳- هلالی، سلیم بن قیس، احمد، انصاری، مستدرک الوسائل، ج ۲، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق
- ۲۴- سایت راسخون، ۹۵/۲/۳ مقاله ادبی www.rasekhon.ir